مجتبی همتی‌فر، رئیس سابق سازمان ملی تعلیم‌وتربیت کودکان:

بچه‌هایمان مورد تهاجم هستند و هنوز دست ما خالی است

مجتبی همتی‌فر، عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد و رئیس سابق سازمان ملی تعلیم و تربیت کودکان در گفت‌وگو با «جوان» تعریفی از کودکی ارائه کرده و می‌گوید: «وقتی از «کودک و کودکی» بحث می‌کنیم، معنا و گستره آن در منظق‌ها و حوزه‌های مختلف با هم تفاوت دارد. در ادبیات حقوقی و نهادهای بین‌المللی و قوانین مرتبط با آن از جمله حقوق کودک، تا سن ۱۸ سالگی را دوره «کودکی» در نظر می‌گیرند. در حالی که از منظر رشدی و حوزه‌های آموزشی و تربیتی دوره کودکی و نوجوانی متمایز می‌شوند که بلوغ در آن نقش تعیین‌کننده دارد.

تشکیل سازمان ملی تعلیم‌وتربیت کودکان

وی با اشاره به اینکه گستره کودکی در فرایند و سیر تعلیم‌وتربیت دو بخش دارد، می‌افزاید: «اولین کودکی (Earlychildhood) بخش اول و مهمی است که بازه سنی تا شش سال تمام و تا قبل از ورود به مدرسه را در برمی‌گیرد. با توجه به اهمیت این دوره سنی، با تدبیر مقام معظم رهبری، تشکیل نهادی ملی و مستقل با عنوان «سازمان ملی تعلیم‌وتربیت کودک» مسئولیت و مأموریت تولی‌گری انحصاری این حوزه را برعهده گرفته است. موجعه‌ای که اکنون سازمانی نوپاست و با رویکرد تربیتی و تنظیم‌گری این حوزه شکل گرفت و سعی دارد با ناگاه ملی و هم افزایانه، زیست بوم بزرگ تربیت و رشد اولین کودکی را ساماندهی کند.

تربیت کودک با توجه به اقتضائات دنیای امروز

وی با ورود به موضوعات تربیتی یادآور می‌شود: کودک با ویژگی‌هایی متولد شده و در حال زیست بوده و فرایند رشد خود را به طور طبیعی طی می‌کند؛ منتها در دنیای امروز، محیط پیرامون کودک اقتضائاتی پیدا کرده است که با شرایط پیش از این تفاوت‌های قابل توجهی دارد. یکی از ویژگی‌های این عصر، فراگیرشدن فناوری‌ها، ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی است که باعث شده محصولات متنوع، فضای مجازی و رسانه‌های دیجیتالی و ابزارهای نوین به صورت متنوع در دسترس کودک قرار گیرد یا کودک در معرض آنهاست. بخشی از هویت و شخصیت کودکان امروز در همین محیط و در تعامل با این محصولات و ابزارها شکل می‌گیرد. مثال بارز آن مصرف بالای بوتانیمی، برنامک‌ها و بازی‌های دیجیتالی است که هم خود این فناوری‌ها اثرات تربیتی دارند و هم مضامین و محتواهایی که از این طریق منتقل می‌شود، بار فرهنگی و تربیتی خاص و جهت‌داری دارد.

همتی‌فر، با اشاره به اینکه محصولات این زیست بوم جهت دهنده همه‌جانبه است، در کودکی به ویژه سه سال اول دوران زندگی (هزار روز طلایی)، رشد و تربیت کودک عمدتاً در بستر خانه و خانواده است. هر چند به دلیل تحولات اجتماعی، حضور و در نتیجه اثرات والدین و خانواده کمرنگ‌تر شده است. در صورت حضور کودک در کودکستان و سایر مراکز تربیتی، کودک از آنها اثر قابل توجهی می‌پذیرد که به سه ویژه در جنبه اجتماعی و هویتی قابل توجه است...

تربیت و سه ضلع خانواده، مدرسه و محصولات فرهنگی

رئیس سابق سازمان ملی تعلیم‌وتربیت، سه ضلع خانواده، مراکز تربیتی مثل مدرسه و محصولات و خدمات زیست بومی را در تربیت اثرگذار دانسته و تصریح می‌کند: محصولات و خدمات زیست بومی همانند کتاب، اسباب‌بازی، پویانمایی‌ها و بازی‌های دیجیتال به عنوان محصولات مؤثر فرهنگی و هویتی در زندگی کودکان امروز جایگاه ویژه‌ای دارند؛ بخش قابل توجهی از زمان کودک در تعامل با اینهاست و در واقع آنها در سبد مصرف فرهنگی و تربیتی او جدی هستند.

وی می‌افزاید: در اثرگذاری هویتی، اعتقادی، دینی و ملی، آشنایی با اقلیم و عناصر هنری و اجتماعی و شهر و محله باید این سه رکن را در تعامل با کودک بررسی کنیم.

بعد دیگر مورد اشاره از سوی همتی‌فر، خانواده است که درباره آن می‌گوید: به دلیل شدت گلوبدیری انسان در دوره اوان کودکی، سبک زندگی خانواده و والدین را به عنوان الگوها و مربیان نخست کودک، باید جدی گرفت. میزان پایبندی خانواده به فرهنگ و سنت‌های ملی و مذهبی و نیز آداب و رسومی مثل نوروز و یلدا و سایر عناصر هویت‌بخش و نیز اعیاد عزای اهل بیت(ع) بسیار اهمیت دارد. اینکه کودک در معرض چه مواردی است در اصل تربیتی اهمیت دارد و کودک با همان‌ها آمیخته می‌شود.

رئیس سابق سازمان ملی تعلیم‌وتربیت، به ذکر مثالی در این زمینه می‌گوید: عید نوروز از مقدمات تا بدو و بازدید به عنوان عنصر فرهنگی است که موضوعات شیرینی مثل عیدی آن را برای کودکان لذت بخش‌تر می‌کند. همچنین در مناسبت‌های مذهبی چه در ولادت و چه شهادت ائمه، میزان پایبندی خانواده و پررنگ بودن مناسک در جامعه اهمیت دارد و کودک به آنها توجه می‌کند. موضوعات ملی مثل جشن‌ها و مناسک اجتماعی و فرهنگی مهم‌اند و ارزش‌ها و آیین‌ها را در ذهن او تثبیت می‌کنند.

تنوع محصولات فرهنگی یومی و شمارگان و قابل دسترس بودن آنها قابل قیاس با جمعیت مخاطبان کودک و نوجوان نیست؛ انگار بچه‌ها مورد تهاجم هستند و هنوز دست ما خالی است. آنچه دشمن به عنوان آرمان‌زایی و هویت‌زایی در تلاش برای آن است، رخ داده و اگر آینده و افق بیانیه گام دوم برای ما مهم است و چشم انداز قوی می‌خواهیم نیاز به سرمایه‌گذاری در حوزه امروز داریم

نقش خانواده در تربیت و هویت‌یابی محوری است

به گفته وی اساساً خانواده یک رکن مهم در تربیت است و به خصوص در سال‌های اول اثرات جدی بر تربیت کودک دارد؛ از تعامل میان والدین گرفته، دغدغه‌ها، ارزش‌ها، کنش‌ها و گفتارهای آنان، همگی الگوی کودک هستند و معناسازی می‌کنند. حال اگر اینها در راستای هویت و جهت مشخص باشد و تعلق به مهین و ارزش‌های مذهبی و اخلاقی را یادآور شود، کودک نسبت به موضوعات حساس خواهد شد و انس می‌گیرد.

همتی‌فر، ادامه می‌دهد: فضا و سبک زندگی یک خانه و خانواده (خانه به معنای فیزیکی آن و خانواده مشتکل از شبکه ارتباطی) در شکل‌گیری و جهت‌دهی به شاکله شخصیتی کودک و نوجوان تأثیر می‌گذارند.

این کارشناس حوزه کودک و نوجوان به «جوان» می‌گوید: در کودکی ارتباطات محدود و غلبه و لنگر ان به لحاظ کمی و کیفی داخل خانواده است. گویی نخستین بخش جامعه‌ای که کودک در آن تجربه کسب می‌کند، به لحاظ زمانی و مکانی، خانه و خانواده است. در حالی که مثلاً نوجوان با محیط‌های بزرگ‌تر و متنوع‌تری در تعامل است. از این رو هنگامی که پایبندی‌های هویتی و ارزشی والدین به ویژه در بستر خانه و خانواده بروز و ظهور عینی پیدا می‌کند، بیشترین اثر را در باورها و هویت او دارد و در واقع کودک عملکرد والدین را می‌بیند و این عملکرد از هر سخن و توصیه شفاهی اثرگذارتر است.

البته برخی خانواده‌ها متأثر از تحولات اجتماعی سبک زندگی متفاوتی پیدا کرده‌اند. توجه به زبان مادری و بومی کمرنگ شده و به سمت معیار رسمی حرکت می‌کنند، با اینکه سنت‌ها و آیین‌ها در فرایند جهانی سازی مورد آسیب قرار گرفته است.

هویت یکی از محورهای مهم برنامه‌های فرهنگی است

رئیس اسبق سازمان ملی تعلیم‌وتربیت کودک با ورود به فعالیت‌های این سازمان در حوزه محصولات و خدمات مرتبط با اولن کودکی می‌گوید: یکی از رویکردهای سازمان توجه به هویت بوده است که در غالب جشنواره‌های آیینی و نیز شاخص مهم در ارزیابی محصولات پرمصرف این دوره سنی پیگیری می‌شود که اوج این توجه در بسته‌های تربیت و یادگیری دوره پیش‌دبستانی است. توجه به پرچم و عناصر هویتی ایرانی همچون مفاخر، شخصیت‌ها، معرفی اقلیم، سنت و غذاهای محلی و بومی در ارزیابی و تأیید این بسته‌ها مورد تأکید بوده است. همچنین در سیاست چندتألیفی و آنچه در سازوکار «یارستان کودکستان» به اجرا درآمده و هر چند که تثبوت آنها نیاز به ارتقا و توجه جدی دارد.

ضلع سوم زیست بوم که همتی‌فر، درباره آن گفت: در سال‌های اخیر محصولات خوبی تولید شده، اما در قیاس با میزان بسیار بالای مصرف قوی نیستیم. همزمان برخی محصولات همچون عروسک با فرهنگ و هویت خاصی کل جهان را فراگرفته‌اند و با ارزش‌ها و فرهنگ‌های جامعه مقصد همخوانی دارند و نه لزوماً فرهنگ جامعه ما. در این حالت کودکان از طریق این محصولات در معرض ارزش‌ها و هویتی هستند که اغلب جنبه غیربومی و تهاجمی دارد. پویانمایی‌هایی که از سوی شرکت‌های بزرگ بین‌المللی با فرهنگ و سبک زندگی خاصی تولید می‌شوند و به سایر محصولات و اقلام همچون پوشاک و نوشت‌افزار امتداد می‌یابد، نمونه دیگری از عناصر هویت‌ساز و دارای اثرات تربیتی هستند.

همتی‌فر، بیان می‌کند: در این موضوع حرکت‌های خوبی به خصوص در حوزه نوشت‌افزار شروع شده است اما در حوزه‌های صنایع خلاق گرچه تولیدات خوبی داشتیم و هنرهای شکل خلاقه، اما میزان مصرف مهم است. تنوع محصولات فرهنگی یومی و شمارگان و قابل دسترس بودن آنها قابل قیاس با جمعیت مخاطبان کودک و نوجوان نیست؛ انگار بچه‌ها مورد تهاجم هستند و هنوز دست ما خالی است.

به اعتقاد وی اتچه دشمن به عنوان آرمان‌زایی و هویت‌زایی در تلاش برای آن است، رخ داده و اگر آینده و افق بیانیه گام دوم برای ما مهم است و چشم‌انداز قوی می‌خواهیم نیاز به سرمایه گذاری در حوزه امروز داریم و نتوانسته کردن خانواده‌ها به طور خاص مادران و کیفی کردن کودکستان‌ها و مراکز تربیتی و توجه به زیست بوم به عنوان معنای خاص آن و نیز کتاب‌ها، بوتانیمایی، اسباب بازی و عروسک و بازی دیجیتال می‌تواند هدف ما را محقق کند.

هفته ملی کودک؛ هویت کودکان، برای آینده‌ای روشن‌تر

پرچم هویت ضد نفوذ در دست فرزندان ایران

حسین گل‌محمدی

تأکید بر اهمیت هوشیاری در برابر نفوذ فرهنگی در فرمایشات رهنشگرانه اخیر رهبر معظم انقلاب، در دیدار هزاران نفر از پیشکسوتان و فعالان دفاع مقدس و مقاومت، هشداری دیگر از سوی چشم‌بیدار ایران اسلامی، در خصوص ضرورت صیانت از هویت ملی و دینی مان بود. آنجا که ایشان با اشاره به فداکاری و از جان گذشتگی رزمندگان می‌فرمایند: «با وجود این فداکاری‌ها، ملت ایران نمی‌پذیرد پرچم‌های نفوذ فرهنگی و سبک زندگی دشمن و وسوسه‌های خصمانه آن به وسیله افراد نفوذی و فریب‌خورده در کشور و دستگاه‌های مختلف برافراشته شود.»

بی‌تردید برای حفظ فرهنگ و سبک زندگی ایرانی اسلامی، ریشه‌ای ترین، مؤثرترین و ماندگارترین راهکار، حفظ هویت و اصالت است و این نیز جز درسایه تربیت اصولی و صحیح نسل‌ها امکان‌پذیر نیست. هفته ملی کودک امسال که از ۱۴مهر آغاز شده و تا ۲۰مهر ادامه دارد، این یادرد عناوین روزهای خود به موضوع هویت کودک پرداخته و امروز، ۱۹مهر و ششمین روز از این هفته را با عنوان «برای هویت کودکان، برای آینده‌ای روشن‌تر» نامگذاری کرده است.

قرابت روشنگری مقام معظم رهبری، درباره نفوذ فرهنگی با این نامگذاری، هر آینه باید ما را به هویت‌یابی کودکان، این نسل آینده‌ساز ایران اسلامی، حساس‌تر کند و در شرایطی که فرهنگ غرب با ابزار رسانه و فناوری‌های ارتباطی، نسل کودک و نوجوان ما را نشانه گرفته است، با برافراشتن پرچم هویت ضد نفوذ، عزم خود را برای محکم‌کردن ریشه‌های فرزندان ایران، جزم کنیم. بی‌تردید فرزند ایران با ریشه‌های محکم و استوار، نفوذناپذیر می‌شود.

مقابل نفوذ فرهنگی هشیار باشیم

وی در باره نفوذ فرهنگی و تغییر سبک زندگی و تهدیدهای موجود در این زمینه می‌گوید: خانواده‌ها باید فرزند خود را در بسترهای فرهنگی که از رسانه‌ها در همه جای دنیا به سمت مردم سرازیر می‌شود و سبک زندگی جدیدی را القا می‌کند که البته ورود به این موضوع بحث دیگری می‌طلبد، اما تبلیغ شیوه‌های جدید خرید و فروش و بازار مصرفی و تولیدات جدید محور اصلی این سبک زندگی است. خانواده‌ها می‌توانند از مفاهیم هویتی که سینه به سینه منتقل شده غافل نشوند بدین معنا که ایران صرفاً سرگرم کار نباشند و تربیت را به رسانه و تلویزیون نسپارند.

میرقاسمی یادآور می‌شود: خانواده‌ها باید در همان محل‌هایی که تربیت شکل می‌گیرد حضور داشته باشند و فرزند خود را گرد دهند؛ مثل تعامل با خانواده و دوستان مورد اعتماد یا بودن در کانون خانواده مثل مادربزرگ و پدربزرگ یا رفتن به هیئت و حتی ثبت نام فرزند در یک کلاس موسیقی و هنری. به اعتقاد این پژوهشگر، خانواده‌ها باید برای هویت‌یابی فرزند خود برنامه داشته باشند. هیچ یک از کارهای روزمره را که والدین ما برایمان انجام دادند ناچیز نشماریم؛ چراکه نسل امروز ما به واسطه همان تربیت‌ها هویت پیدا کرده است. حتی می‌توان از همین فرصت‌های شبکه‌های اجتماعی استفاده و موارد مثبت آن را بهره‌برداری کرد.

وی با تأکید بر اینکه خانواده‌ها توصیه می‌کند تا وارد این حوزه و عرصه شوند و اقدام به تولید محتوای مثبت کنند.

میرقاسمی در این باره توضیح می‌دهد: در واقع رسانه‌ها و فناوری‌های نوین تلاش می‌کنند هویت جدید و سبک زندگی دلخواه را به عنوان یک خوراک وارد مغز دیگران کنند و خانواده‌ها می‌توانند مواد خوب را دانست یا خود تولید محتوا کنند و با حضور در هیئت‌های مذهبی یا سایر مواردی که مناسب می‌دانند تولید کنند و در اختیار دیگران قرار دهند.

این پژوهشگر حوزه رسانه تأکید کرد: لازم نیست همه ما بالگر باشیم. می‌توانیم از حضور خود در یک پیاده‌روی اربعین شروع کنیم و آن را با گروه‌های نزدیک به اشتراک بگذاریم. خانواده‌ها به جای مصرف کننده‌گی، تولید کننده باشند و هر آنچه باعث هویت بخشی می‌شود را با دیگران به اشتراک بگذارند و روی جوامع کوچک پیرامون خود اثرگذار باشند.

به اعتقاد وی مسئله‌ای که باید جدی بگیریم حکمرانی رسانه‌ای است. باید نگاه جدی‌تری به رسانه داشته باشیم. ما برای هر مسئله مهم و فرهنگی در کشور نیازمند پشتوانه رسانه قوی هستیم در غیر این صورت در جنگ رسانه‌ای خواهیم باخت.

خانواده‌ها باید برای هویت‌یابی فرزند خود برنامه داشته باشند. هیچ یک از کارهای روزمره را که والدین ما برایمان انجام دادند ناچیز نشماریم، چراکه نسل امروز ما به واسطه همان تربیت‌ها هویت پیدا کرده است. حتی می‌توان از همین فرصت‌های شبکه‌های اجتماعی استفاده و موارد مثبت آن را بهره‌برداری کرد

دکتر سیده سارا میرقاسمی، مدرس و پژوهشگر حوزه رسانه:

رسانه جدی‌ترین تهدید علیه هویت‌یابی کودکان است

مدرس و پژوهشگر حوزه رسانه در گفت‌وگو با «جوان» در باره شکل‌گیری هویت کودک به جدی‌ترین زمینه اشاره می‌کند و می‌گوید: امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمایند العلم صَیْنُ الصَّغَر کالنَّقش فی الحَجَر؛ آموختن دانش در خردسالی، همچون نقشی است که روی سنگ کنده شود. می‌توانیم از کلام حضرت امیر تأسی بگیریم و اهمیت آموزش در خردسالی را دریابیم.

خانواده‌ها خطرات رسانه را جدی بگیرند

وی با تأکید بر اینکه خانواده‌ها نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری هویت کودک دارند به اهمیت و نقش سایر عوامل در شکل‌گیری هویت کودک اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: رسانه یکی از همین عوامل است که در حال حاضر شکل‌های جدیدی به خود گرفته است. در گذشته کودکان فرهنگ‌پذیری خود را از خانواده گرفته و وارد مدرسه می‌شدند. محیط رسانه بسیار محدود بود اما امروز با پدیده‌های مختلفی در حوزه رسانه مواجه هستیم و به نوعی بزرگ‌ترین تهدید علیه هویت یابی کودکان است.

این پژوهشگر حوزه رسانه ادامه می‌دهد: خطرات رسانه از یکسو ایجاب می‌کند خانواده‌ها آگاهی‌های کاملی در زمینه‌های مختلف از سوءاستفاده‌های جنسی گرفته تا مالی داشته باشند و از سوی دیگر جوی در رسانه‌های اجتماعی شکل گرفته که از کودکان برای جذب مخاطب استفاده می‌کنند که آنها را تبدیل به کودک کار مجازی می‌کند.

به اعتقاد میرقاسمی به واسطه جاذبه‌های رسانه‌ای جدید کودکان نباید آلوده مخاطرات شوند، چراکه تبعات این رفتار زیاد است.

وی در توضیح بیشتر می‌افزاید: کودکان در گیر رسانه و تبلیغات متوجه نخواهند شد چگونه کودکی را پشت سر می‌گذارند، آسیب نگاه دیگران می‌شوند و دریافت توجه، آمد نظر قرار می‌دهند که این مهم هویت آنها را متزلزل می‌کند. در واقع چنین رویکردی به کودک القا می‌کند برای ادامه حیات خود باید دیده شود و در طول مسیر زندگی، در صورت مواجهه با مخاطرات اجتماعی با کاهش توجه و دیده نشدن، دچار مشکل خواهند شد.

این کارشناس حوزه سواد رسانه عنوان می‌کند: ما در دنیا شاهد جنبش‌های مردم گرایانه‌ای هستیم که مطابق با آن انتشار عکس زیر ۱۸ سال از والدین مانع دارد. در صورت انتشار تصاویر کودکان، باعث سوءاستفاده احتمالی در بزرگسالی شده یا در صورت داشتن سمت شغلی مناسب به دلیل در پای رسانه‌ای، مخاطراتی به همراه دارد.

ز رسانه به عنوان نگه‌دارنده و مهد کودک استفاده نکنیم

وی با تأکید بر اینکه ما به دقت کنیم از رسانه به عنوان نگه‌دارنده و مهد کودک استفاده نکنیم، می‌گوید: فکر نکنیم اگر کودک ما در گوشه خانه با گوشی تلفن و تبلت در حال دیدن انیمیشن یا بازی کردن است صرفاً از مخاطرات محیط بیرون در امان است. چه بسا که مخاطرات غیر قابل جبرانی به واسطه همین گوشی به وجود آید.

دکتر حسین روزبهانی، روانشناس بالینی و استاد دانشگاه:

هویت سالم کودک در منطقه امن تربیتی شکل می‌گیرد

دروافع شبه‌سازی و بیان کردن. سپس از او بپرسیم دوست داری از این زمان یا تو باشم و تو را کمک کنم؟ اگر پاسخ مثبت بود آن وقت باید تلفن همایشگری در آن زمان را داشته باشیم. مثلاً بگوییم من پشت در هستم و به کمک تو می‌آیم. نگران نباش نمی‌گذارم کسی تو را اذیت کند. تکنیک دیگر نوشتن موضوعی است که فرزندمان در دوران کودکی از آن رنج برده است، از او بخواهیم همه داستان را با جزئیاتش بنویسد. بعد احساسات و هیجاناتش را بنویسد. آن وقت کودک به آن لحظه به ذهنش آمده را هم بنویسد. سپس بپرسیم کدام قسمت داستان برایت دردناک بود و چرا؟ بعد بپرسیم حالا چه احساسی داری؟ سپس بخواهیم او این متن را روزی یکبار بنویسد و بعد از شش روز آن را باره کند و دور بریزد. به این ترتیب آن تصورات کم کم از خاطرش می‌رود.

ایجاد منطقه امن هم در خانه و هم در مدرسه لازم و ضروری است

وی در آخر می‌گوید: «اگر کودکی دچار آسیب شد، برای مدیریت بهتر این شرایط سخت آزمایشات سر کوب می‌شود. تکنیک دیگر انکه، وقتی عکس را نشان دادیم کنیم. انتقال فرزند به مکان سؤال کنیم چطور بنا تو همدردی کنیم؟ یا دوست داری به آن دوران برگردی؟ الان چه نیازهایی داری؟ بعد او رابغل گرفته و با او همدردی کنیم. انتقال فرزند به مکان آرام و مورد علاقه هم می‌تواند تنش و استرس او را کم کند. بعد در آن مکان از او بخواهیم درباره تصورات ذهنی‌اش در یک سال گذشته صحبت کند.

بعد از این توضیحات درباره چند سال قبل تر سؤال کنیم. شود وگرنه این ناهنجاری در نهاد کودک باقی می‌ماند و باعث افسردگی می‌شود. لذا واقع باید ابتدا از تباط خوبی با فرزندش برقرار کند تا دلبستگی ایمن شکل بگیرد، سپس با راهنمایی درست توضیحاتی به او از رفتار بگاه از تبعات آن رفتار به کودک بدهد. این نکته خارج اهمیت است و اینکه ابراز گرفتن و سرزنش کردن نتیجه عکس دارد.»

از این استاد دانشگاه، درباره تکنیک‌هایی می‌پرسیم که بتواند هیجانات ناشی از آسیب‌های دوران کودکی را کنترل و حل کند. وی در پاسخ می‌گوید: «یکی از تکنیک‌ها نشان دادن عکس در سنی است که کودک دچار آسیب شده است. با نشان دادن آن عکس از کودک بخواهیم درباره آن انتفاق صحبت کند. در اینجا مادر یا پدر باید همدلی و همدردی کنند. با این همانندسازی کم کم ناراحتی‌ها و هیجانات سرکوب می‌شود. تکنیک دیگر انکه، وقتی عکس را نشان دادیم کنیم. انتقال فرزند به مکان آرام و مورد علاقه هم می‌تواند تنش و استرس او را کم کند. بعد در آن مکان از او بخواهیم درباره تصورات ذهنی‌اش در یک سال گذشته صحبت کند.

دکتر ربابه نوری قاسم آبادی، روانشناس بالینی:

آشنایی با افتخارات ملی کودک را واکسینه فرهنگی می‌کند

هویت ملی، بخشی از شخصیت افراد است. آشنایی کودکان با هویت ملی کمک می‌کند تا آنها با محیط اطراف خود ارتباط بگیرند و از آنجایی که ارتباط‌گیری یکی از راه‌های تربیتی است، بنابراین از ارتباط با هویت ایرانی و ملی باعث تربیت و پرورشی سالم می‌شود. دکتر ربابه نوری قاسم آبادی، روانشناس بالینی می‌گوید: «آشنایی کودکان با افتخارات ادبی، تمدنی و تاریخی باعث می‌شود آنها با فرهنگ غنی ایرانی آشنا شوند و این دانستن‌ها قطعاً اثر تربیتی بازدارنده‌ای خواهند داشت و از فرزندانمان در برابر آسیب‌ها و تهدیدهای فرهنگی حفاظت می‌کنند.» گفت‌وگوی مشروح با این کارشناس در ادامه می‌آید.

به نظر کارشناسان یکی از راه‌های تربیت کودک، آشنایی آنها با هویت فرهنگی و ملی کشور است. این آشنایی چقدر حائز اهمیت است و چه میزان می‌تواند اثر تربیتی داشته باشد؟

قطعاً مؤثر است. اینکه کودک فرهنگ کشورش را بشناسد و به آن احترام بگذارد بسیار مهم است. باید دربارهٔ قهرمانان و افتخارات کشور با بچه‌ها صحبت کرد و این افتخارات را به آنها گفت که کشورمان از اولین‌های جهان است. افتخارات ادبی، تمدنی، فرهنگی و تاریخی باید مطرح شود. مواردی را شاهد بودم که خانواده‌ای می‌گفت فرزندم کشورمان را دوست ندارد در حالی که آن بچه آنقدر سنی نداشت و اصلاً تجربه زیستن در کشورهای دیگر را هم نداشت و فرهنگ‌های دیگر را ندیده بود. هویت فرهنگی بخشی از هویت یک انسان را می‌سازد. نیاز به آن است که والدین ساعت‌هایی را کنار فرزندانشان باشند و با آنها حرف بزنند تا بچه‌ها بدانند کیستند و از چه غنای فرهنگی برخوردارند. این دانستن‌ها اثر تربیتی و بازدارندگی دارند و از آنها در برابر تهدیدها، واکسینه فرهنگی می‌کنند.

در این زمینه نقش والدین و مربیان آموزشی چیست و چه فعالیت‌هایی کودکان را با این هویت آشنا می‌کند؟

فعالیت‌هایی از جمله برگزاری اُپیرا و سنت‌ها به صورت جدی در داخل مدرسه و مشارکت بچه‌ها در این قبیل فعالیت‌ها می‌تواند موجب آشنایی بیشتر با هویتمان شود. بچه‌ها باید ریشه این فعالیت‌های فرهنگی را بشناسند. مثلاً هفت سین و شب یلدا چیست، حماسه عاشورا چیست؟ مراسم ماه مبارک رمضان و مشارکت دادن آنها خیلی کمک می‌کند تا کودکان با این فرهنگ و فعالیت‌ها پیوند بگیرند. نه تنها برگزاری مراسم بلکه زیربنا و معناهای عمیق برای بچه‌ها بیان و به خانواده‌ها منتقل شود. اینها از جمله موارد است که بچه‌ها می‌توانند ابعاد فرهنگی کشورشان را بیشتر بشناسند. احترام به مفاخری مثل سعدی و حافظ، مباحث تاریخی و جغرافیایی از جمله احترام به نمادهای طبیعی هر شهر استان، مراقبت از محیط زیست از جمله نهرها، سبزه‌ها و درخت‌ها و حیواناتی که محلی و بومی هستند. کمک می‌کند بچه‌ها به عنوان یک فرد، کشور ایران، مذهب و سنتشان را بشناسند و برایش احترام خاصی قائل شوند.

بحث مدارس پیش آمد. در ایامی هستیم که مدت زیادی از بازگشایی مدارس نمی‌گذرد. هفته ملی کودک است به همین دلیل گفت‌وگو را به سمت کلاس اولی‌ها ببریم. آنهایی که برای بار اول وارد محیطی متفاوت می‌شوند. گاهی بعضی از آنها دچار مشکلاتی می‌شوند که شاید برای والدین بسیار غافلگیرانه باشد. با توجه به تجارب چتباهایی عمده این مشکلات چیست؟

شروع مدرسه به خصوص برای سال اولی‌ها دوباره سازگار شدن است به همین دلیل همراه استرس و فشار، روانی است. چراکه محیط مدرسه با محیط خانه یا مهد کودک متفاوت است، بنابراین مهم‌ترین موضوع اضطراب جدایی است که معمولاً دانش‌آموز سال اولی خیلی آمادگی آن را ندارند به همین دلیل قادر به جدایی از مادر نیستند. بچه‌ها بی‌قرار هستند و مادران آنها مجبورند در مدرسه بمانند و هر صبح این نگرانی و ناراحتی تکرار می‌شود تا جایی که بعضی از کودکان دچار سردرد و دل درد می‌شوند اما به محض برگشت به خانه هیچ ناراحتی ندارند. نکته مهم درمان اینهاست به خصوص مواردی که طولانی می‌شود و شاید تا اولیه سال مادر مجبور باشد در حیاط مدرسه بماند. این دسته از دانش‌آموزان که دچار اضطراب جدایی می‌شوند در صورت درمان نشدن در ۱۸ یا ۲۰ سالگی به اضطراب بسیار سنگین، جدی و نامناسبی دچار می‌شوند که ممکن است زندگی‌شان مختل شود. گروه دیگری از دانش‌آموزان کلاس اولی ممکن است بیش فعالی داشته باشند. آنها وقتی وارد محیط جدی‌تری مانند مدرسه می‌شوند باید ساکت باشند و به معلم توجه کنند اما در کلاس راه می‌روند، همکلاسی‌شان را اذیت می‌کنند یا به معلم توجهی نمی‌کنند. به همین دلیل معلم مجبور است مدام تذکر دهد. معلمان خوب متوجه بیش فعالی می‌شوند و از والدین می‌خواهند آنها را معالجه کنند. این تذکر معلم

شرط اول در تعامل با کودک، ایجاد اعتماد و بعد همدلی است. مشکل بیشتر فرزندانی که درباره مشکلاتشان صحبت نمی‌کنند، آن است که می‌گویند قضاوت می‌شویم و شرایط بدتر می‌شود. لذا باید منطقه امن ایجاد کنیم و قضاوت نکنیم. حرف‌های فرزندان باید شنیده شود و آنان باید دیده شوند

یادم است وقتی برای تهیه خبر و گزارش برای صفحات حوادث در جلسات محاکمه می‌نشستم، وقتی متهم می‌خواست از خودش دفاع کند سرش را پایین می‌انداخت و می‌گفت: آقای قاضی من مقصر نیستم. این برمی‌گردد به دوران کودکی‌ام! بعضی از آنها بچه طلاق بودند یا فرزند پدر یا مادر معتاد. خلاصه هر کدام دلیلی برای خود داشتند اما این قبیل روایت‌ها نشان می‌داد آینده، همان آینده کودکی است که در دستان پدر و مادر است و ماحصل آنچه دیده و به او آموخته می‌شود.

دکتر حسین روزبهانی، روانشناس بالینی و استاد دانشگاه، ایجاد منطقه امن را لازمه حل هر آسیبی در دوران کودکی می‌داند که باید در خانه و مدرسه از سوی والدین و مشاوران مدرسه ایجاد شود.

کودکان همانی می‌شوند که می‌بینند

دکتر حسین روزبهانی، روانشناس بالینی با اعتقاد به اینکه معمولاً بچه‌ها آنچه را می‌بینند یاد می‌گیرند، می‌گوید: «کودکان زیر هفتسال بیشتر آنچه را می‌بینند یا می‌گوییم باور می‌کنند. به همین دلیل وقتی پدری مواد مصرف می‌کند باور می‌کند رفتار خوبی است. پاک کردن ذهنیتی که از کودکی شکل گرفته سخت است و فقط زمانی موفق می‌شویم که او را از انجام آن کار منزجر کنیم.»

چگونه این ذهن را پاک کنیم؟ روزبهانی در پاسخ این پرسش می‌گوید: «وقتی یکی از والدین مثلاً پدر سیگار می‌کشد نقش والد دیگر سخت می‌شود، چراکه باید آگاهی دهنده باشد و برای اینکه به هر دلیلی ممکن است بعضی افراد در دوران کودکی‌شان دچار آسیب شوند. دنبال دلیل اینکه چرا کودکان در معرض آسیب قرار می‌گیرند نیستیم و موضوع این گزارش هم این نیست، بلکه به دنبال پاک کردن ذهن کودکان از آسیب‌ها هستیم. چراکه این مهم باید انجام شود، در غیر این صورت به سینه منتقل شده غافل نشود بدین معنا که والدین صرفاً سرگرم کار نباشند و تربیت را به رسانه و تلویزیون نسپارند.

میرقاسمی یادآور می‌شود: خانواده‌ها باید در همان محل‌هایی که تربیت شکل می‌گیرد حضور داشته باشند و فرزند خود را گرد دهند؛ مثل تعامل با خانواده و دوستان مورد اعتماد یا بودن در کانون خانواده مثل مادربزرگ و پدربزرگ یا رفتن به هیئت و حتی ثبت نام فرزند در یک کلاس موسیقی و هنری. به اعتقاد این پژوهشگر، خانواده‌ها باید برای هویت‌یابی فرزند خود برنامه داشته باشند. هیچ یک از کارهای روزمره را که والدین ما برایمان انجام دادند ناچیز نشماریم؛ چراکه نسل امروز ما به واسطه همان تربیت‌ها هویت پیدا کرده است. حتی می‌توان از همین فرصت‌های شبکه‌های اجتماعی استفاده و موارد مثبت آن را بهره‌برداری کرد.

وی با تأکید بر اینکه خانواده‌ها توصیه می‌کند تا وارد این حوزه و عرصه شوند و اقدام به تولید محتوای مثبت کنند.

میرقاسمی در این باره توضیح می‌دهد: در واقع رسانه‌ها و فناوری‌های نوین تلاش می‌کنند هویت جدید و سبک زندگی دلخواه را به عنوان یک خوراک وارد مغز دیگران کنند و خانواده‌ها می‌توانند مواد خوب را دانست یا خود تولید محتوا کنند و با حضور در هیئت‌های مذهبی یا سایر مواردی که مناسب می‌دانند تولید کنند و در اختیار دیگران قرار دهند.

این پژوهشگر حوزه رسانه تأکید کرد: لازم نیست همه ما بالگر باشیم. می‌توانیم از حضور خود در یک پیاده‌روی اربعین شروع کنیم و آن را با گروه‌های نزدیک به اشتراک بگذاریم. خانواده‌ها به جای مصرف کننده‌گی، تولید کننده باشند و هر آنچه باعث هویت بخشی می‌شود را با دیگران به اشتراک بگذارند و روی جوامع کوچک پیرامون خود اثرگذار باشند.

به اعتقاد وی مسئله‌ای که باید جدی بگیریم حکمرانی رسانه‌ای است. باید نگاه جدی‌تری به رسانه داشته باشیم. ما برای هر مسئله مهم و فرهنگی در کشور نیازمند پشتوانه رسانه قوی هستیم در غیر این صورت در جنگ رسانه‌ای خواهیم باخت.

اینکه کودک فرهنگ کشورش را بشناسد و به آن احترام بگذارد بسیار مهم است. باید درباره افتخارات کشور یا بچه‌ها صحبت کرد و این افتخارات را به آنها گفت که کشورمان از اولین‌های جهان است. افتخارات ادبی، تمدنی، فرهنگی و تاریخی باید مطرح شود

دکتر حسین رو